

شیراز دیار آستانها



شیراز: گهواره دید (از کوه وایه) - عکس: رضا مهدی

با شاعران شیراز

من آن آسمانی سروش خدایم
که فخری به هوا و آدم ندارم
میجای مریم شناسد به معجز
کمی از میجای مریم ندارم
سخندان شناسد که من اوستادم
که استادی کس مسلم ندارم
به سحر سخن راه اعجاز بوم
بسی گویم و ژاز و درهم ندارم
به هر سبک و هر بحر و هر شیوه گفتم
که داند هتا و همدم ندارم
همه شاهکار است گفتارهایم
به اندیشه و لفظ مانم ندارم
سخن هر چه گفتم همه نغز گفتم
شکرهای آلوده باسم ندارم



دکتر مهدی همیدی شیرازی
آمدن: ۱۲۹۳ شیراز
رفتن: ۱۳۶۵ شیراز

تاصبح خنده در نگره آسمان نشست
انگار در نگاه تو رنگین کمان نشست
شبتم بر ارغوانی گل، اشک ناز بود
نوشیدمش چو باده و در جام نشست
ابری دگر در آبی آن چشم ها نبود
یک آسمان ستاره در آن آسمان نشست
فهر سبک گریز تو گر زیر کانه بود
اما به جان تو که به جانم گران نشست
تندیس ناز بودی و لبخنده، یک بهار
دیر آمدی به باغ جوانی، خزان نشست
نو سبزی بشارت عشقی به باغ شعر
در مقدمت طلوع، کران تا کران نشست
دیدم نشستم و ننشستی و عاقبت
بر نام ما چه زود غبار زمان نشست



پرویز خانفی
آمدن: ۱۳۱۵ شیراز

هر باغبان که گل به سوی برزن آورد
شیراز را دوباره به باد من آورد
آنجا که گر به شاخ گلی آرزوت هست
گل چین به پیشگاه تو یک خرمن آورد
نازم هوای فارس که از اعتدال آن
بادامین شکوفه مه بهمن آورد
نوروزماه، فاخته و عندهلیب را
در بوستان، نواگر و برپطرن آورد
ابر هزار باره بگیرد ستیغ کوه
چون لشکری که رو به سوی دشمن آورد
من در کنار باغ کنم ساعتی درنگ
تا دلنواز من خیر از گلشن آورد
آید دوان دوان و نهد بر کنار من
آن ترگس و بنفشه که در دامن آورد



دکتر لطفعلی سورتگر شیرازی
آمدن: ۱۲۷۹ شیراز
رفتن: ۱۳۴۸ شیراز